

## بررسی نقش هوش مصنوعی در بازتعریف ساختارهای اجتماعی و معنویت دینی

محمد اکبری\*

DOI: 10.22096/rc.2026.2073365.1273

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۱۹]

### چکیده

هوش مصنوعی (AI) با قابلیت پردازش داده‌های کلان و تصمیم‌گیری خودکار، ساختارهای اجتماعی و معنویت دینی را بازتعریف کرده است. این پژوهش تأثیرات این فناوری بر الگوهای ارتباطی، نقش‌های شغلی و نهادهای دینی و چالش‌هایی چون انزوای اجتماعی، نابرابری طبقاتی و مکانیکی شدن تجربه دینی را تحلیل می‌کند. مسئله محوری، دوگانگی فرصت‌ها و تهدیدهای هوش مصنوعی در حفظ انسجام اجتماعی و اصالت معنوی است. روش پژوهش، رویکرد کیفی مبتنی بر تحلیل محتوای متون علمی و دینی با بهره‌گیری از نظریه‌های جامعه‌شناختی و الهیاتی است. یافته‌ها نشان می‌دهند که هوش مصنوعی با جایگزینی تعاملات انسانی با سیستم‌های خودکار، پیوندهای اجتماعی را شکننده و خطر انزوای اجتماعی را افزایش داده است. اتوماسیون مشاغل سنتی، بی‌کاری اقشار کم‌مهارت و تعمیق شکاف طبقاتی را به دنبال داشته است. در حوزه دینی، خدمات مذهبی خودکار، مفاهیم اراده آزاد و مسئولیت اخلاقی را به چالش کشیده و تجربه معنوی را داده‌محور کرده است. کاهش مرجعیت نهادهای دینی نیز از پیامدهای این تحولات است. با این حال، هوش مصنوعی با بهینه‌سازی تخصیص منابع و ترویج ارتباطات مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی، می‌تواند انسجام اجتماعی و دینی را تقویت کند. این پژوهش بر ضرورت مدیریت اخلاقی هوش مصنوعی برای ادغام ارزش‌های انسانی و دینی تأکید می‌کند تا تعادلی میان پیشرفت فناوری و حفظ هویت اجتماعی و معنوی برقرار شود.

**واژگان کلیدی:** هوش مصنوعی؛ ساختارهای اجتماعی؛ معنویت دینی؛ انسجام اجتماعی؛ اخلاق هوش مصنوعی.



## ۱. مقدمه

هوش مصنوعی (AI) به منزله یکی از شاخص‌ترین دستاوردهای تمدن فناورانه معاصر، نه تنها شیوه‌های تولید و تصمیم‌گیری انسانی را دگرگون کرده، بلکه به صورت بنیادین در حال بازتعریف پیوند میان ساختارهای اجتماعی و عرصه معنویت دینی است. این فناوری با اتکا بر پردازش کلان‌داده‌ها، یادگیری ماشینی و تصمیم‌گیری خودکار، سبب شده است الگوهای اجتماعی که پیش‌تر بر تعامل انسانی، مشارکت عاطفی و حضور آیینی استوار بودند در مسیر ماشینی شدن قرار گیرند؛ مسیری که اصالت ارتباط‌های انسانی و عمق معنوی تجربه جمعی را به چالش کشیده است. بدین‌سان، مشکل اصلی پژوهش حاضر نه صرفاً بررسی تأثیرات هوش مصنوعی بر جامعه یا دین، بلکه تبیین تعامل پیچیده آن دو در قالب پرسشی است که به بازسازی هویت انسان مدرن در نسبت با معنای زندگی دینی می‌انجامد.

پیدایش این چالش به رشد تصاعدی فناوری در دهه‌های اخیر بازمی‌گردد؛ جایی که سامانه‌های هوشمند از ربات‌های مشاور در حوزه روان‌درمانی مذهبی گرفته تا الگوریتم‌های تحلیل رفتار مذهبی کاربران در فضای مجازی به شکل مستقیم در فرایندهای شناختی و تصمیم‌گیری معنوی انسان مداخله کرده‌اند. این فرایندها در سطح اجتماعی، سبب جایگزینی تدریجی روابط چهره‌به‌چهره با ارتباطات خودکار شده و در نتیجه، نوعی گسست در پیوندهای عاطفی و اخلاقی میان افراد پدید آورده است. تشدید اتوماسیون در مشاغل سنتی و کاهش نقش حضور انسانی، علاوه بر افزایش نابرابری‌های اقتصادی، پیوندهای مبتنی بر همبستگی دینی و اجتماعی را نیز سست کرده است؛ زیرا ساختارهای کاری و ارتباطی نوپدید به جای بسترهای ارزشی مشترک بر منطق داده و کارآمدی فنی تکیه دارند. در حوزه الهیاتی، هوش مصنوعی پرسش‌های تازه‌ای درباره مفاهیم بنیادین اراده آزاد و مسئولیت اخلاقی مطرح ساخته است. برای مثال، زمانی که سامانه‌های هوشمند محتوای مذهبی را به شکل الگوریتمی انتخاب و برای مخاطب شخصی‌سازی می‌کنند، استقلال در انتخاب آگاهانه به تدریج جای خود را به هدایت نامحسوس داده‌ها می‌دهد؛ یا هنگامی که خودروهای خودران درباره «تصمیمات اخلاقی لحظه‌ای» طراحی می‌شوند، بحث مسئولیت و گناه در آموزه‌های دینی به چالشی واقعی بدل می‌شود. چنین نمونه‌هایی نشان می‌دهد که مرز میان تصمیم انسانی و محاسبه ماشینی در حال از دست دادن وضوح اخلاقی خود است.

بر همین مبنا پرسش کلیدی نخست این مقاله «هوش مصنوعی چگونه الگوهای ارتباطی و نقش‌های شغلی را بازتعریف می‌کند؟» نه به صورت مستقل، بلکه به مثابه مقدمه‌ای برای

بررسی نقش هوش مصنوعی در بازتعریف ساختارهای اجتماعی و معنویت دینی / اکبری ۱۰۱

بررسی دو مسئله عمیق تر طرح می‌شود: نخست، نسبت میان این بازتعریف با دگرگونی مفاهیم دینی چون اختیار و مسئولیت اخلاقی؛ دوم، راهکارهای نهادهای دینی برای حفظ مرجعیت معنوی در عصری که تجربه دینی در معرض الگوریتم‌های داده‌محور قرار گرفته است. این مباحث به سبب ماهیت میان‌رشته‌ای خود، نیازمند تحلیلی جامع در تقاطع جامعه‌شناسی فناوری، اخلاق دینی و الهیات معاصر هستند تا بتوانند تصویری متوازن از فرصت‌ها و تهدیدهای تمدنی هوش مصنوعی ارائه دهند.

روش این مقاله برای پاسخ به این پرسش‌ها و چالش‌ها رویکردی کیفی مبتنی بر تحلیل محتوای متون علمی و دینی است. با بهره‌گیری از نظریه‌های جامعه‌شناختی، نظیر دیدگاه‌های بومن و گیدنز درباره تأثیر فناوری بر روابط اجتماعی و مفاهیم دینی، مانند آپوکالیپتیسیم یهودی-مسیحی و آموزه‌های اسلامی آخرالزمان، این پژوهش چهارچوبی نظری برای تحلیل تأثیرات هوش مصنوعی ارائه می‌دهد. سه مبحث اصلی مقاله، شامل تحولات ساختارهای اجتماعی، بازاندیشی در معنویت دینی و فرصت‌ها و تهدیدهای آینده به‌صورت نظام‌مند این تأثیرات را بررسی می‌کنند. این رویکرد با تمرکز بر تحلیل عمیق و چندجانبه، امکان درک پویایی‌های پیچیده هوش مصنوعی در بازتعریف ساختارهای اجتماعی و معنوی را فراهم می‌کند و به دنبال ارائه دیدگاهی متعادل از فرصت‌ها و چالش‌های این فناوری است.

## ۲. چهارچوب نظری تحقیق

هوش مصنوعی در جایگاه سیستمی از فناوری‌های مبتنی بر الگوریتم‌های یادگیری ماشینی و پردازش داده‌های کلان، توانایی انجام دادن وظایف شناختی نظیر تصمیم‌گیری و تحلیل را دارد که پیش‌تر به انسان‌ها محدود بود.<sup>۱</sup> این فناوری با نفوذ در ابعاد مختلف زندگی، ساختارهای اجتماعی و معنویت دینی را به چالش کشیده و بازتعریف کرده است. ساختارهای اجتماعی در این پژوهش به‌مثابه الگوهای تعاملات انسانی، شامل ارتباطات بین‌فردی و تمایزات طبقاتی، تعریف می‌شوند که تحت تأثیر سیستم‌های هوشمند دستخوش تحول شده‌اند.<sup>۲</sup> معنویت دینی نیز به باورها و ارزش‌های اخلاقی اشاره دارد که اراده آزاد و مسئولیت‌پذیری فردی را در چهارچوب آموزه‌های دینی برجسته می‌کنند.<sup>۳</sup> این مفاهیم در جایگاه پایه‌های تحلیل تأثیرات هوش مصنوعی بر جامعه و دین مورد استفاده قرار می‌گیرند.

1. Ebru Çolak, "Yapay Zeka Dost mu Düşman mı?," *Derin Ekonomi* 28 (2017): 120.

2. Antony Giddens, *Sosyoloji* (İstanbul: Kırmızı Yayınları, 2008), 691.

۳. یونس یوسفی، «پاسخ به اهم شبهات پیرامون دین و هوش مصنوعی»، آفاق علوم انسانی (۱۴۰۲): ۸۸.

از منظر نظری، این پژوهش از نظریه‌های جامعه‌شناختی و دینی بهره می‌گیرد. زیگمونت بومن استدلال می‌کند که فناوری‌های نوین، مانند هوش مصنوعی، تلاشی برای ایجاد نظم در جهانی پر آشوب هستند، اما ممکن است به آشوب‌های جدیدی منجر شود.<sup>۱</sup> آنتونی گیدنز نیز با تأکید بر تأثیر فناوری بر روابط اجتماعی، معتقد است که فناوری‌های مدرن، هویت انسانی و انسجام اجتماعی را بازتعریف می‌کنند، اما خطر کاهش تعاملات انسانی را به همراه دارند.<sup>۲</sup> در حوزه دینی، مفهوم آپوکالیپتیسیم یهودی-مسیحی، که جان گری و رابرت گراسی به آن پرداخته‌اند، چهارچوبی برای تحلیل تأثیرات هوش مصنوعی بر آینده‌نگری دینی ارائه می‌دهد. این دیدگاه، هوش مصنوعی را ابزاری برای ترسیم آینده‌ای مکانیکی معرفی می‌کند که در آن آگاهی انسانی به ماشین‌ها منتقل می‌شود.<sup>۳</sup> در مقابل، مفاهیم اسلامی آخرالزمان بر آمادگی فردی برای پایان جهان تأکید می‌کنند و از رویکرد هدفمند تاریخی مسیحیت فاصله می‌گیرند.<sup>۴</sup> این تفاوت‌ها در تحلیل تأثیرات هوش مصنوعی بر معنویت دینی اهمیت دارند، زیرا تنوع دیدگاه‌های دینی در مواجهه با فناوری را نشان می‌دهند.

از نظر روش‌شناختی، این پژوهش از رویکرد کیفی مبتنی بر تحلیل محتوای متون علمی و دینی استفاده می‌کند. منابع علمی مانند گری<sup>۵</sup> و گراسی<sup>۶</sup> برای تحلیل تأثیرات فرهنگی و دینی و منابع دینی مانند یوسفی<sup>۷</sup> برای بررسی چالش‌های معنوی، مبنای تحلیل قرار گرفته‌اند. این رویکرد با تمرکز بر بازتعریف ساختارهای اجتماعی و معنویت دینی در عصر فناوری‌های نوین، امکان بررسی عمیق و چندجانبه تأثیرات هوش مصنوعی را فراهم می‌کند.

### ۳. تحولات ساختارهای اجتماعی تحت تأثیر هوش مصنوعی

هوش مصنوعی در جوامع معاصر تنها یک ابزار فناورانه نیست، بلکه عاملی بنیادین در بازآرایی ساختارهای اجتماعی و زمینه‌ساز تحول در معنویت دینی است. این فناوری با نفوذ در زیست روزمره انسان، شیوه‌های ارتباط و کنش اجتماعی را از حضور انسانی به تعامل ماشینینی سوق داده است؛ تغییری که اگرچه کارایی و نظم را افزایش می‌دهد، اما پیوندهای

1. Bauman Zygmunt, *Sosyolojik Düşünmek* (İstanbul: Ayrıntı Yayınları, 2017), 205.

2. Giddens, *Sosyoloji*, 691.

3. John Gray, *Kara Ayın: Apokaliptik Din ve Ütopyanın Ölümü* (İstanbul: Yapı Kredi Yayınları, 2013), 159.

۴. عبدالله جوادی آملی، «منکرین معاد»، نشریه پاسدار، شماره ۱۸ (۱۳۶۲): ۱۴.

5. Gray, *Kara, Apokaliptik Din ve Ütopyanın Ölümü*, 16-17.

6. Robert M Geraci, "Apocalyptic AI: Religion and the Promise of Artificial Intelligence," *Journal of the American Academy of Religion* 76, no. 1 (2008): 138-166.

۷. یوسفی، «پاسخ به اهم شبهات پیرامون دین و هوش مصنوعی»، ۸۸-۹۹.

بررسی نقش هوش مصنوعی در بازتعریف ساختارهای اجتماعی و معنویت دینی / اکبری ۱۰۳

عاطفی و اخلاقی را تضعیف می‌کند و به کاهش سرمایه اجتماعی منجر می‌شود. اتوماسیون فراگیر نیز با جایگزینی نقش‌های شغلی سنتی، نه تنها نابرابری‌های اقتصادی را تشدید کرده، بلکه ارزش‌های دینی مرتبط با کرامت و مسئولیت انسانی را به چالش کشیده است. چنین تحولاتی، صرفاً پیامدهای اجتماعی ندارند، بلکه بستر فلسفی و اخلاقی شکل‌گیری تجربه دینی را نیز دگرگون می‌کنند؛ زیرا معنویت در بستر روابط انسانی معنا می‌یابد و وقتی این بستر مکانیکی شود، دین‌ورزی نیز به داده و الگوریتم محدود می‌شود. از این رو، تحلیل تغییرات ساختار اجتماعی مقدمه‌ای ضروری برای فهم چگونگی تأثیر هوش مصنوعی بر معنویت دینی است و همین پیوند، منطق شکل‌گیری بحث اصلی مقاله را فراهم می‌کند.

### ۱-۳. تغییر در الگوهای ارتباطی

هوش مصنوعی (AI) با نفوذ در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی، الگوهای ارتباطی انسان‌ها را به گونه‌ای عمیق دگرگون کرده است. این فناوری با قابلیت‌های پردازش داده‌های کلان و تصمیم‌گیری مستقل به تدریج جایگزین تعاملات انسانی در حوزه‌های گوناگونی نظیر مشاوره‌های روان‌شناختی، خدمات مشتری و حتی مراقبت‌های اجتماعی شده است.<sup>۱</sup> به‌ویژه، تأثیر هوش مصنوعی از سطح تعاملات روان‌شناختی فراتر رفته و به مشاوره‌های اخلاقی و دینی نیز گسترش یافته است. سیستم‌های هوشمند، مانند ربات‌های مشاور و دستیارهای مجازی با ارائه پاسخ‌های سریع و مبتنی بر الگوریتم‌های پیشرفته، نقش‌هایی را که پیش‌تر به انسان‌ها اختصاص داشت بر عهده گرفته‌اند. این تحول، اگرچه از منظر کارایی و دسترسی‌پذیری مزایای قابل توجهی به همراه دارد، پیامدهای پیچیده‌ای بر انسجام اجتماعی و کیفیت تعاملات انسانی را به دنبال داشته است. جایگزینی تعاملات انسانی با سیستم‌های هوشمند به‌ویژه در حوزه‌هایی که به ارتباطات عاطفی و همدلانه وابسته‌اند، پرسش‌هایی درباره حفظ انسجام اجتماعی و هویت انسانی مطرح کرده است.<sup>۲</sup>

هوش مصنوعی (AI) با نفوذ در ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی، الگوهای ارتباطی انسان‌ها را به صورت عمیق دگرگون کرده است. این فناوری با قابلیت تحلیل کلان‌داده‌ها و تصمیم‌گیری شبه‌خودآگاه به تدریج جایگزین تعاملات انسانی در حوزه‌هایی چون مشاوره‌های اخلاقی، تربیتی و حتی دینی شده است. سامانه‌های هوشمند که برای پاسخگویی به پرسش‌های رفتاری یا معنوی طراحی شده‌اند، گرچه با منطق داده‌ای عمل می‌کنند از درک

1. Çolak, "Yapay Zeka Dost mu Düşman mı?," 125.

2. Giddens, *Sosyoloji*, 691.

وجدانی و همدلانه‌ای که اساس گفت‌وگوهای انسانی است، بی‌بهره‌اند. چنین جایگزینی، نه فقط کیفیت روابط اجتماعی، بلکه بنیان ارتباط معنوی انسان با خودش و دیگری را تغییر می‌دهد؛ زیرا در سنت‌های دینی، گفت‌وگو همواره حامل مسئولیت اخلاقی و بار ارزشی است؛ در حالی که ارتباط ماشینی از این بُعد تهی است. چنانکه گیدنز اشاره می‌کند، تغییر در الگوهای تعامل، بدون حضور عاطفه و نیت انسانی، می‌تواند به تضعیف انسجام اخلاقی و معنوی جامعه منجر شود.<sup>۱</sup>

علاوه بر این، گسترش استفاده از سیستم‌های هوشمند در خدمات روزمره، مانند مراکز تماس و واحدهای خدمات مشتری به تغییر در سبک‌های ارتباطی منجر شده است. این سیستم‌ها که براساس مدل‌های ارتباطی مثبت و استاندارد برنامه‌ریزی شده‌اند از زبان رسمی و بدون انعطاف استفاده می‌کنند.<sup>۲</sup> در حالی که این رویکرد می‌تواند به کاهش رفتارهای غیراخلاقی یا پرخاشگرانه در تعاملات کمک کند، اما در عین حال، فقدان صمیمیت و انعطاف‌پذیری در این ارتباطات می‌تواند احساس سردی و دوری را در کاربران ایجاد کند؛ به‌ویژه در جوامعی که زبان‌های عامیانه و صمیمی بخش مهمی از فرهنگ ارتباطی را تشکیل می‌دهند، این سبک رسمی ممکن است مانعی برای ایجاد ارتباط معنادار تلقی شود. این تحول در الگوهای ارتباطی، خطر کاهش تعاملات اجتماعی مبتنی بر همدلی و صمیمیت را افزایش داده است و می‌تواند به انزوای اجتماعی منجر شود.

انزوای اجتماعی از برجسته‌ترین پیامدهای کاهش تعاملات انسانی در عصر هوش مصنوعی است. وابستگی روزافزون به ارتباطات ماشینی و پلتفرم‌های دیجیتال، روابط حضوری را کم‌رنگ و پیوندهای همسایگی و خانوادگی را تضعیف کرده است.<sup>۳</sup> با این حال، اهمیت این پدیده زمانی بیشتر می‌شود که پیامدهای آن بر زیست دینی و معنوی انسان بررسی شود. در محیط‌های مذهبی، کاهش تعاملات چهره‌به‌چهره، شرکت در آیین‌های جمعی و ارتباط معنوی میان مؤمنان را محدود می‌کند و سبب می‌شود تجربه دین‌ورزی از حالت جمعی و روحانی به کنش فردی و فناوری‌محور تبدیل شود. حتی نهادهای تبلیغ دین و مبلغان نیز با جایگزینی پلتفرم‌های هوشمند به جای حضور واقعی در معرض خطر کاهش اثرگذاری معنوی قرار می‌گیرند. بدین ترتیب، انزوای اجتماعی در عصر هوش مصنوعی صرفاً پدیده‌ای

1. Giddens, *Sosyoloji*, 691.

۲. محسن رجبی و محمدصادق نصراللهی، «پیامدشناسی فرهنگی توسعه هوش مصنوعی در رسانه‌های اجتماعی در ایران»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، شماره ۱۶، (۱۴۰۲): ۹۹.

3. Çolak, "Yapay Zeka Dost mu Düşman mı?," 125.

بررسی نقش هوش مصنوعی در بازتعریف ساختارهای اجتماعی و معنویت دینی / اکبری ۱۰۵

جامعه‌شناختی نیست، بلکه بستری است که می‌تواند به تضعیف همبستگی و عمق معنویت دینی بینجامد.

از سوی دیگر، هوش مصنوعی پتانسیل ایجاد الگوهای ارتباطی مثبت‌تر را نیز دارد. سیستم‌های هوشمند می‌توانند با حذف عبارات غیراخلاقی یا پرخاشگرانه از گفت‌وگوها به ترویج ادب و احترام در تعاملات کمک کنند.<sup>۱</sup> این ویژگی به‌ویژه در محیط‌هایی که تعاملات رسمی مورد نیاز است، می‌تواند به بهبود کیفیت ارتباطات منجر شود. با این حال، این مزیت با چالش‌هایی همراه است. استانداردسازی ارتباطات توسط هوش مصنوعی ممکن است به حذف تنوع فرهنگی و زبانی منجر شود که خود می‌تواند به کاهش اصالت در تعاملات انسانی بینجامد. رجبی و نصراللهی تأکید دارند که دسترسی نابرابر به فناوری‌های هوشمند می‌تواند این تأثیرات را در جوامع کم‌برخوردار تشدید کند، زیرا این جوامع ممکن است از مزایای ارتباطات بهبودیافته محروم شوند.<sup>۲</sup>

در نهایت، تغییر در الگوهای ارتباطی تحت تأثیر هوش مصنوعی، انسجام اجتماعی را در معرض دوگانگی قرار داده است. از یک‌سو، این فناوری با بهبود کارایی و دسترسی به خدمات، پتانسیل تقویت تعاملات مثبت را دارد. از سوی دیگر، کاهش تعاملات انسانی و افزایش انزوای اجتماعی، تهدیدی جدی برای پیوندهای اجتماعی محسوب می‌شود. این دوگانگی نیازمند بررسی دقیق‌تر و تدوین سیاست‌هایی است که تعادل بین استفاده از فناوری و حفظ روابط انسانی را تضمین کند. همانطور که گیدنز اشاره می‌کند، فناوری‌های مدرن می‌توانند به‌مثابه ابزاری برای بازتعریف هویت اجتماعی عمل کنند، اما بدون مدیریت مناسب، ممکن است به تضعیف انسجام اجتماعی منجر شوند.<sup>۳</sup> بنابراین، تحلیل تأثیرات هوش مصنوعی بر الگوهای ارتباطی، نیازمند رویکردی چندجانبه است که هم فرصت‌ها و هم تهدیدات این فناوری را در نظر بگیرد.

### ۲-۳. بازتعریف نقش‌های شغلی و نابرابری طبقاتی

تحولات اجتماعی ناشی از گسترش هوش مصنوعی، نه‌تنها شیوه‌های زیست و ارتباط انسانی را دگرگون کرده، بلکه بنیان‌های اقتصادی و نظام نقش‌آفرینی افراد در جامعه را نیز به بازسازی و بازتعریف واداشته است. در امتداد این دگرگونی، یکی از بنیادی‌ترین عرصه‌ها حوزه اشتغال

1. Çolak, "Yapay Zeka Dost mu Düşman mı?," 125.

۲. رجبی و نصراللهی، «پیامدشناسی فرهنگی توسعه هوش مصنوعی در رسانه‌های اجتماعی در ایران»، ۹۹.

3. Giddens, *Sosyoloji*, 691.

و توزیع سرمایه اجتماعی است که تأثیر مستقیمی بر نظم طبقاتی و عدالت اجتماعی دارد. همانگونه که تغییر در ساختار ارتباطی، بستر تحولات فرهنگی و دینی را فراهم می‌کند، دگرگونی در ساختار شغلی نیز زمینه‌ساز انقلابی معنایی در مفهوم «کار»، «رزق» و «کرامت انسانی» است.<sup>۱</sup> بدین‌سان، بررسی نحوه تأثیر هوش مصنوعی بر نقش‌های شغلی و نابرابری طبقاتی، نه یک تحلیل اقتصادی صرف، بلکه گامی مقدماتی در فهم پیامدهای فرهنگی و دینی این فناوری به شمار می‌آید؛ زیرا بازتعریف جایگاه انسان در نظام تولید و ارزش در نهایت بر فهم دینی او از عدالت، مسئولیت و معنا اثرگذار خواهد بود.

هوش مصنوعی (AI) با قابلیت‌های پیشرفته خود در اتوماسیون و پردازش داده‌ها ساختارهای شغلی و توزیع منابع در جوامع مدرن را به‌طور اساسی دگرگون کرده است. این فناوری با جایگزینی نیروی کار انسانی در بسیاری از مشاغل سنتی از تولید صنعتی تا خدمات حرفه‌ای، تحولات عمیقی در بازار کار ایجاد کرده است. اتوماسیون مبتنی بر هوش مصنوعی با افزایش کارایی و کاهش هزینه‌ها، فرایندهای تولید و خدمات را بهبود بخشیده، اما همزمان نگرانی‌هایی درباره بیکاری و نابرابری‌های طبقاتی به وجود آورده است. این تحولات، که در کنار فرصت‌های اقتصادی، چالش‌هایی اجتماعی را نیز به همراه دارند، نیازمند تحلیل دقیق تأثیرات دوگانه هوش مصنوعی بر نقش‌های شغلی و شکاف‌های طبقاتی است.

اتوماسیون هوش مصنوعی، اثرات قابل توجهی بر مشاغل سنتی داشته است. در بخش‌های صنعتی، ربات‌های هوشمند و سیستم‌های خودکار جایگزین کارگران در خطوط تولید شده‌اند که این امر به کاهش نیاز به نیروی کار انسانی در مشاغل نظیر تولید، مونتاژ و لجستیک منجر شده است.<sup>۲</sup> این جایگزینی، اگرچه بهره‌وری را افزایش داده، اما به بی‌کاری گسترده در میان کارگران کم‌مهارت منجر شده است. مشاغلی که به مهارت‌های تکراری و قابل پیش‌بینی وابسته‌اند، بیش از سایرین در معرض خطر حذف قرار دارند، زیرا الگوریتم‌های هوش مصنوعی قادر به انجام دادن این وظایف با دقت و سرعت بیشتری هستند. در حوزه خدمات، هوش مصنوعی در نقش‌هایی مانند خدمات مشتری، تحلیل داده‌ها و حتی مشاوره‌های اولیه پزشکی وارد شده و وظایف حرفه‌ای را که پیش‌تر به مهارت‌های انسانی وابسته بود، بازتعریف کرده است.<sup>۳</sup> این تغییرات، نگرانی‌هایی درباره

۱. سید مجید نبوی و همکاران، نقش هوش مصنوعی در تحلیل متون دینی (تهران: دانشکده غیردولتی غیرانتفاعی رفاه، ۱۴۰۴)، ۴۴.

2. Yuval Noah Harari, *Yüzyıl için 21 Ders* (İstanbul: Kolektif Kitap, 2018), 47.

3. Çolak, "Yapay Zeka Dost mu Düşman mı?," 122.

بررسی نقش هوش مصنوعی در بازتعریف ساختارهای اجتماعی و معنویت دینی / اکبری ۱۰۷

آینده اشتغال و پایداری اقتصادی کارگران ایجاد کرده است به ویژه در جوامعی که وابستگی بالایی به مشاغل سنتی دارند. کاهش فرصت‌های شغلی برای اقشار کم‌مهارت، نه تنها به بیکاری منجر شده، بلکه به کاهش قدرت چانه‌زنی کارگران در بازار کار و افزایش ناامنی اقتصادی نیز انجامیده است.

همزمان، هوش مصنوعی با ایجاد فرصت‌های جدید در حوزه‌های فناوری‌محور، مانند توسعه نرم‌افزار، تحلیل داده‌های کلان و مدیریت سیستم‌های هوشمند، نقش‌های شغلی نوینی را معرفی کرده است. با این حال، دسترسی به این فرصت‌ها به مهارت‌های تخصصی و آموزش‌های پیشرفته وابسته است که اغلب در دسترس گروه‌های محدودی از جامعه قرار دارد.<sup>۱</sup> این موضوع، شکاف میان اقشار دارای مهارت‌های بالا و کارگران کم‌مهارت را تشدید کرده و به بازتعریف سلسله‌مراتب اجتماعی منجر شده است. در حالی که برخی افراد از طریق مشاغل جدید به ثروت و جایگاه اجتماعی بالاتری دست یافته‌اند، بسیاری دیگر به حاشیه رانده شده‌اند و در معرض فقر و محرومیت قرار گرفته‌اند. این پویایی، ساختارهای طبقاتی را به گونه‌ای تغییر داده است که نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی عمیق‌تر شده‌اند.

نابرابری‌های طبقاتی ناشی از هوش مصنوعی به‌طور خاص به دسترسی نابرابر به فناوری مرتبط است. توسعه و بهره‌برداری از فناوری‌های هوشمند نیازمند زیرساخت‌های پیشرفته، آموزش و سرمایه‌گذاری‌های کلان است که بیشتر در کشورهای توسعه‌یافته و میان اقشار مرفه متمرکز است.<sup>۲</sup> در جوامع کم‌برخوردار، دسترسی محدود به این فناوری‌ها شکاف دیجیتال را تشدید کرده و فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی را از این جوامع سلب کرده است. برای مثال در حالی که هوش مصنوعی می‌تواند با بهبود خدمات عمومی، مانند آموزش و بهداشت به کاهش نابرابری‌ها کمک کند، اما در عمل، تمرکز این فناوری در دست شرکت‌های بزرگ و دولت‌های ثروتمند، دسترسی عادلانه را محدود کرده است.<sup>۳</sup> این تمرکز منابع به ایجاد طبقه‌ای جدید از نخبگان فناوری منجر شده است که کنترل ابزارهای تولید و توزیع را در دست دارند؛ در حالی که اقشار کم‌درآمد به مشاغل کم‌ارزش و ناپایدار محدود شده‌اند.

با این حال، هوش مصنوعی، پتانسیل کاهش برخی نابرابری‌ها را نیز دارد. الگوریتم‌های هوشمند می‌توانند با بهینه‌سازی تخصیص منابع و ارائه خدمات هدفمند، مانند آموزش آنلاین

۱. رجبی و نصراللهی، «پیامدشناسی فرهنگی توسعه هوش مصنوعی در رسانه‌های اجتماعی در ایران»، ۱۰۴.

۲. رجبی و نصراللهی، «پیامدشناسی فرهنگی توسعه هوش مصنوعی در رسانه‌های اجتماعی در ایران»، ۱۰۴.

3. Ercan Öztemel, "Industry ve Yapay Zeka," *Bilim Teknik* 607 (2018): 80.

یا خدمات پزشکی از راه دور به بهبود دسترسی اقشار محروم به امکانات کمک کنند.<sup>۱</sup> برای مثال، پلتفرم‌های آموزشی مبتنی بر هوش مصنوعی می‌توانند با ارائه محتوای شخصی‌سازی شده، شکاف آموزشی میان مناطق شهری و روستایی را کاهش دهند. با این وجود، این فرصت‌ها فقط در صورتی محقق می‌شوند که سیاست‌گذاری‌های مناسب برای توزیع عادلانه فناوری و آموزش وجود داشته باشد. بدون چنین سیاست‌هایی، هوش مصنوعی به ابزاری برای تقویت نابرابری‌های موجود تبدیل می‌شود، زیرا اقشار مرفه و کشورهای توسعه‌یافته از مزایای آن بهره‌مند می‌شوند و دیگران را در چرخه محرومیت نگه می‌دارند.<sup>۲</sup>

این تحولات در نقش‌های شغلی و نابرابری‌های طبقاتی، پرسش‌هایی درباره آینده انسجام اجتماعی مطرح کرده است. همانطور که بومن استدلال می‌کند، فناوری‌های مدرن می‌توانند به جای ایجاد نظم، به آشوب اجتماعی منجر شوند، به‌ویژه زمانی که منابع و فرصت‌ها به صورت نابرابر توزیع شوند.<sup>۳</sup> کاهش مشاغل سنتی و افزایش نابرابری‌های طبقاتی، خطر قطبی‌سازی اجتماعی را افزایش داده و به تضعیف پیوندهای اجتماعی منجر شده است. برای مقابله با این چالش‌ها نیاز به سیاست‌هایی است که آموزش مهارت‌های فناوری محور را گسترش دهد و دسترسی عادلانه به فناوری را تضمین کند. بدون چنین اقداماتی، هوش مصنوعی به جای ابزاری برای پیشرفت به عاملی برای تعمیق شکاف‌های اجتماعی تبدیل خواهد شد.

#### ۴. بازاندیشی در معنویت دینی در مواجهه با هوش مصنوعی

با توجه به مطالب مطرح در بخش قبلی می‌توان گفت: تحولات بنیادینی که هوش مصنوعی در ساختارهای اجتماعی ایجاد کرده است، فقط به بازآرایی روابط انسانی و نقش‌های شغلی محدود نمی‌ماند، بلکه پیامدهای آن به حوزه‌های معنایی و دینی انسان نیز سرایت می‌کند. هنگامی که فناوری‌های هوشمند، منطق کنش اجتماعی را از حضور انسانی به تعامل الگوریتمی تبدیل می‌کنند در واقع بنیان‌های تفکر دینی درباره کار، ارتباط و مسئولیت را نیز به بازخوانی وادار می‌سازند. دگرگونی در ساختارهای شغلی و طبقاتی با تغییر در تلقی انسان از «ارزش کار» و «عدالت»، مستقیماً بر مفاهیم دینی رزق، قضا و قدر و کرامت انسانی تأثیر می‌گذارد. از سوی دیگر، کاهش تعاملات چهره‌به‌چهره و جایگزینی روابط ماشینی، تجربه معنویت جمعی را به کنش فردی و داده‌محور تبدیل می‌کند. بدین‌سان، تحول اجتماعی نه یک

1. Öztemel, "Industry ve Yapay Zeka," 82.

۲. رجبی و نصراللهی، «پیامدشناسی فرهنگی توسعه هوش مصنوعی در رسانه‌های اجتماعی در ایران»، ۱۰۴.

3. Bauman, *Sosyolojik Düşünmek*, 205.

زمینه بیرونی، بلکه مقدمه‌ای درونی برای دگرگونی معنویت است؛ زیرا انسان درگیر با هوش مصنوعی، هم در سطح معیشت و نقش اجتماعی و هم در سطح معنا و ایمان، خود را برابر تعریفی تازه از اختیار و مسئولیت اخلاقی می‌یابد. فصل حاضر با تکیه بر این پیوستگی به بررسی چگونگی بازاندیشی در معنویت دینی در پرتو همین تغییرات اجتماعی می‌پردازد.<sup>۱</sup> فراتر از دگرگونی‌های اجتماعی و اقتصادی، ظهور هوش مصنوعی پرسش‌های عمیقی را در برابر نظام‌های معنایی و معنوی انسان قرار می‌دهد. این فناوری با قابلیت‌های شناختی و تصمیم‌گیری خودکار، مفاهیم بنیادین دینی و اخلاقی چون اراده آزاد، مسئولیت و هویت انسانی را به چالش می‌کشد. همزمان، مرجعیت و کارکردهای سنتی نهادهای دینی در مواجهه با الگوریتم‌های هوشمند که به ارائه مشاوره و تفسیر متون دینی می‌پردازند در حال تحول است. این فصل به بررسی ابعاد این چالش‌های اخلاقی و دینی و تأثیر آن بر نقش تاریخی نهادهای معنوی می‌پردازد.

#### ۱-۴. چالش‌های اخلاقی و دینی

هوش مصنوعی (AI) با نفوذ در ابعاد مختلف زندگی بشری، پرسش‌های عمیقی درباره ارزش‌های اخلاقی و دینی مطرح کرده است. امروزه هوش مصنوعی، نقش دین در زندگی مدرن را به چالش کشیده است. این چالش‌ها که در تقاطع فناوری و معنویت دینی قرار دارند، نیازمند بررسی دقیق هستند تا اثرات هوش مصنوعی بر باورهای دینی و اصول اخلاقی مشخص شود. بازاندیشی در این حوزه نه تنها به حفظ ارزش‌های دینی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند راهنمایی برای توسعه مسئولانه فناوری ارائه دهد؛ زیرا ارزش‌های دینی با محوریت عدالت، کرامت انسانی و مسئولیت‌پذیری، می‌توانند چهارچوبی اخلاقی برای جهت‌دهی توسعه هوش مصنوعی فراهم کنند. هنگامی که طراحی و به‌کارگیری الگوریتم‌ها بر مبنای اصولی چون انصاف، حفظ حریم انسان و اجتناب از تبعیض صورت گیرد، فناوری از مسیر صرفاً سودمحور خارج و به خدمتی در راستای تعالی انسانی بدل می‌شود. از این رو، بازاندیشی دینی و اخلاقی نه صرفاً جنبه نظری دارد، بلکه به ایجاد نظامی هنجاری می‌انجامد که توسعه هوش مصنوعی را در پرتو مسئولیت اخلاقی و وفاق انسانی هدایت می‌کند.

یکی از مهم‌ترین چالش‌های اخلاقی هوش مصنوعی، نه صرف پیش‌بینی رفتار انسان، بلکه چگونگی جهت‌دهی انتخاب‌های او از طریق الگوریتم‌های داده‌محور است. اراده آزاد در

۱. نرگس رشیدی، هوش مصنوعی در اسلام (تهران: حقوق بشر اسلامی، ۱۴۰۲)، ۷۲.

آموزه‌های دینی مبتنی بر توان انسان در انتخاب آگاهانه و مسئولانه است؛ اما هوش مصنوعی با تحلیل دقیق الگوهای رفتاری و ترجیحات کاربران، محتوایی را به گونه‌ای ارائه می‌دهد که مسیر تصمیم‌گیری افراد را به‌طور تدریجی هدایت می‌کند؛ این هدایت، اگرچه نفی‌کننده اختیار نیست، ولی می‌تواند استقلال اخلاقی انسان را تضعیف کند.<sup>۱</sup> برای نمونه در شبکه‌های اجتماعی، پیشنهادها مبتنی بر داده ممکن است فرد را به سوی محتوای ناسازگار با ارزش‌های دینی، همچون شرک‌آمیزی یا پورنوگرافی سوق دهد. چنین جهت‌دهی‌های پنهان، نوعی چالش اخلاقی درباره حدود واقعی اختیار انسان در برابر نفوذ نظام‌های هوشمند پدید می‌آورد.

اما در سیستم‌های مبتنی بر هوش مصنوعی، تصمیم‌گیری‌ها اغلب در تعامل میان انسان و الگوریتم صورت می‌گیرد؛ جایی که نقش آگاهی اخلاقی انسان در برابر منطق داده‌ای ماشین‌ها به چالش کشیده می‌شود. در وضعیتی که انسان تنها کاربر و ناظر نهایی تصمیم است، باید از تسلیم شدن در برابر قضاوت‌های ماشینی براساس محاسبات صرف اجتناب کند، زیرا فقدان حساسیت ارزشی در الگوریتم‌ها ممکن است سبب خطای اخلاقی یا بی‌عدالتی در فرایند تصمیم‌گیری شود.<sup>۲</sup> برای مثال در حوزه‌هایی مانند قضاوت حقوقی یا تشخیص پزشکی، اگر انسان اختیار نهایی خود را از دست بدهد و همه تصمیم به سیستم داده شود، مسئولیت اخلاقی از سطح انسانی به سطح ماشین‌های تصمیم‌گیر مستقل منتقل می‌شود؛ اما در حالت معمول، هوش مصنوعی در نقش ابزار یا مشاور باقی می‌ماند و این انسان است که باید مراقب تأثیر جهت‌دهی‌های الگوریتمی بر داوری اخلاقی خود باشد.

این موضوع به‌ویژه در ادیانی که بر عدالت و اخلاق تأکید دارند، چالشی اساسی ایجاد می‌کند. در متون اسلامی، عدالت به‌منزله یکی از اصول بنیادین مطرح شده است، اما الگوریتم‌های هوش مصنوعی در صورت عدم طراحی مناسب، می‌توانند به تبعیض‌های ساختاری منجر شوند.<sup>۳</sup>

یکی دیگر از چالش‌های دینی، تأثیر هوش مصنوعی بر معنای زندگی و هویت انسانی است. در آموزه‌های دینی، انسان موجودی ذی‌روح است که هدف او در حیات، رسیدن به

---

۱. فرحناز صادق‌زاده و همکاران، چهارچوب‌های اخلاق اسلامی برای هوش مصنوعی (تهران: انتشارات ارسطو، ۱۴۰۲): ۹۹.  
۲. محدثه قوامی‌پور سرشکه و امیررضا محمودی، «واکاوی چالش‌های پیاده‌سازی هوش اخلاقی در هوش مصنوعی»، فصلنامه اخلاقی‌پژوهی، شماره ۶ (۱۴۰۳): ۲۴.  
۳. عبدالحجت حق‌جو، «هوش مصنوعی کاربرد و قابلیت‌های آن در علوم دینی و حوزه‌های علمیه»، نشریه حوزه، شماره ۳۸ (۱۴۰۰): ۱۴۲.

بررسی نقش هوش مصنوعی در بازتعریف ساختارهای اجتماعی و معنویت دینی / اکبری ۱۱۱

کمال الهی از مسیر آگاهی و مسئولیت‌پذیری اخلاقی تعریف می‌شود.<sup>۱</sup> در مقابل، هوش مصنوعی با شبیه‌سازی توانایی‌های شناختی انسان همچون استدلال، پیش‌بینی و تصمیم‌گیری مستقل در نظام‌های زبانی و یادگیری عمیق به تدریج مرز میان «تفکر آگاهانه انسانی» و «واکنش محاسباتی غیرآگاهانه» را مبهم می‌کند.<sup>۲</sup> برای مثال، سامانه‌هایی چون مدل‌های زبانی مولد یا ربات‌های گفت‌وگوگر مذهبی قادرند تحلیل‌های اخلاقی تولید کنند، بی‌آنکه از نیت یا معنای درونی آن شناختی داشته باشند. همین تمایز میان تفکر آگاهانه و محاسبه بدون شعور، بنیان تفاوت وجود ذی‌روح انسانی با هوش مصنوعی را آشکار می‌کند. بر همین اساس، نگرانی اصلی نه نابودی آگاهی انسان، بلکه تغییر تدریجی مرکز معنا از درون انسان به بیرون، یعنی به سازوکارهای داده‌ای است؛ فرایندی که می‌تواند به تقلیل ارزش روحانی انسان و غلبه نگرش مادی بر تلقی وجودی او بینجامد. در چهارچوب اسلامی، آمادگی معنوی برای آخرالزمان، مبتنی بر تأمل، تزکیه و اختیار اخلاقی انسان است؛ اما جهانی که در آن داده‌ها و الگوریتم‌ها جهت‌دهنده باور و رفتار شده‌اند، این فرایند تعمیق اخلاقی را به سطحی مکانیکی فرو می‌کاهد. در چنین نظامی، انسان به جای اینکه فاعل اخلاق و ایمان باشد به مفسر الگوریتم‌ها بدل می‌شود، وضعیتی که به زوال تدریجی بُعد روحانی و تأمل اخروی در زیست دینی می‌انجامد.<sup>۳</sup>

همچنین هوش مصنوعی با ایجاد سیستم‌های خودکار در حوزه‌های دینی، مانند ارائه خدمات مذهبی یا تفسیر متون دینی، پرسش‌هایی درباره اصالت تجربه دینی ایجاد کرده است. برای مثال، برنامه‌هایی که برای ارائه اوقات شرعی یا آموزش آیات دینی طراحی شده‌اند، اگرچه دسترسی به اطلاعات دینی را تسهیل می‌کنند، ممکن است تجربه معنوی را به فعالیتی مکانیکی تبدیل کنند.<sup>۴</sup> این مکانیکی شدن، خطر کاهش عمق معنوی و ارتباط شخصی با دین را به همراه دارد، زیرا تجربه دینی به تعاملات انسانی و زمینه‌ای وابسته است که ماشین‌ها قادر به بازتولید آن نیستند.<sup>۵</sup> این موضوع به‌ویژه در جوامعی که دین نقش محوری در هویت فرهنگی دارد، می‌تواند به تضعیف پیوندهای معنوی منجر شود.

با وجود این چالش‌ها هوش مصنوعی می‌تواند فرصتی برای بازاندیشی در ارزش‌های دینی باشد. طراحی الگوریتم‌هایی که با اصول اخلاقی و دینی هم‌راستا باشند، می‌تواند به تقویت

۱. عباس محفوظی، «انسان و اندیشه درباره قیامت»، مجله پاسدار، شماره ۲۰۵ (۱۳۷۷): ۴.

2. Gray, Ayin: *Apokalyptik Din ve Ütopyanın Ölümü*, 16.

۳. جوادی آملی، منکرین معاد، ۱۴.

۴. حق جو، «هوش مصنوعی کاربرد و قابلیت‌های آن در علوم دینی و حوزه‌های علمیه»، ۱۴۳.

5. Geraci, "Apocalyptic AI: Religion and the Promise of Artificial Intelligence," 160.

عدالت و مسئولیت‌پذیری کمک کند.<sup>۱</sup> برای مثال، سیستم‌های هوشمندی که برای تشخیص تبعیض در تصمیم‌گیری‌ها برنامه‌ریزی شده‌اند، می‌توانند به اجرای بهتر اصول دینی، مانند عدالت اجتماعی، کمک کنند. با این حال، این پتانسیل فقط در صورتی محقق می‌شود که توسعه‌دهندگان هوش مصنوعی، ارزش‌های دینی و اخلاقی را در طراحی سیستم‌ها مدنظر قرار دهند. بدون چنین رویکردی، هوش مصنوعی ممکن است به ابزاری برای تضعیف معنویت دینی تبدیل شود، زیرا الگوریتم‌های فاقد ارزش‌های انسانی می‌توانند به تصمیم‌گیری‌های غیراخلاقی منجر شوند.<sup>۲</sup>

در نهایت، مواجهه با چالش‌های اخلاقی و دینی هوش مصنوعی مستلزم تدوین راهکارهای عملی در چهارچوب اخلاق کاربردی است؛ از جمله، ایجاد هیئت‌های نظارت دینی بر طراحی الگوریتم‌ها، گنجاندن اصول عدالت و کرامت در آموزش مهندسان هوش مصنوعی و الزام نظام‌های هوشمند به شفافیت و پاسخگویی اخلاقی. این رویکردها می‌توانند ضمانتی برای ادغام ارزش‌های دینی در توسعه فناوری باشند و همزمان، پیوندی متوازن میان پیشرفت علمی و حفظ معنویت انسانی برقرار کنند.

#### ۲-۴. تحول در نقش نهادهای دینی

گسترش هوش مصنوعی نه تنها سیمای تعاملات اجتماعی را دگرگون کرده، بلکه به شکلی بنیادین، نقش نهادهای دینی را نیز در حال بازتعریف است. این دگرگونی، بیش از آنکه صرفاً تغییر شکلی در ابزارهای تبلیغ یا آموزش دینی باشد، نشانه‌ای از جابه‌جایی ژرف در محور معرفتی و مرجعیت این نهادها به سود ساختارهای فناورانه و سامانه‌های خودکار است. از منظر جامعه‌شناسی دین، مرجعیت دینی سنتی همواره بر سه مؤلفه انحصار معرفتی، اقتدار اخلاقی و حضور فیزیکی استوار بوده است؛ مؤلفه‌هایی که با ورود سامانه‌های هوش مصنوعی به عرصه حیات دینی در معرض بازتوزیع و حتی افول قرار دارند.<sup>۳</sup>

درواقع می‌توان گفت: این دگرگونی، بیانگر نوعی انتقال از اقتدار معرفتی مبتنی بر تجربه و تفسیر انسانی به اقتداری الگوریتمی است که اعتبار خود را از دقت و سرعت پردازش داده‌ها می‌گیرد. در چنین شرایطی، نهاد دینی با چالشی دوگانه مواجه می‌شود: از یک سو باید برای حفظ مرجعیت خویش در برابر دانشی که بی‌میانجی در دسترس همگان قرار گرفته است،

۱. قوامی‌پور سرشکه و محمودی، «واکاوی چالش‌های پیاده‌سازی هوش اخلاقی در هوش مصنوعی»، ۲۵.

2. Çolak, "Yapay Zeka Dost mu Düşman mı?," 124.

۳. حق‌جو، «هوش مصنوعی کاربرد و قابلیت‌های آن در علوم دینی و حوزه‌های علمیه»، ۱۴۴.

بررسی نقش هوش مصنوعی در بازتعریف ساختارهای اجتماعی و معنویت دینی / اکبری ۱۱۳

راهبردی تازه بیابد و از سوی دیگر، مرز میان «آگاهی الهیاتی» و «اطلاع فنی دینی» را حفظ کند تا امر قدسی در منطق محاسباتی فروکاسته نشود. در صورت بی‌توجهی به این تمایز، نه تنها فرایند تعلیم و تربیت دینی تضعیف می‌شود، بلکه معنا و اصالت امر دینی در برابر کارآمدی فنی و ظاهری الگوریتم‌ها به حاشیه رانده خواهد شد.

از طرفی هم سامانه‌های هوش مصنوعی قادرند در زمانی بسیار کوتاه، مجموعه‌ای گسترده از آیات، روایات و تحلیل‌های فقهی را کلاسه‌بندی و متناسب با پرسش مخاطب ارائه دهند. این ظرفیت سرعت و کمیت به ظاهر بر کارآمدی خدمت دینی می‌افزاید، اما همزمان خطر تقلیل تجربه دینی به دریافت‌های داده‌محور و فاقد زمینه فرهنگی و معنوی را در پی دارد.<sup>۱</sup> چنین روندی به معنای دسترسی همگانی به دانش دینی بدون طی مسیر سنتی تعلیم است؛ مسیری که پیش‌تر، خود بخشی از فرآیند جامعه‌پذیری دینی محسوب می‌شد.<sup>۲</sup> در نتیجه، ورود هوش مصنوعی به قلمرو معرفت دینی، گرچه فرصت گسترش دانش و دسترسی عمومی را فراهم می‌کند، اما در سطحی عمیق‌تر، خطر جایگزینی فهم الهیاتی با پردازش صرف داده را در خود دارد؛ چالشی که آینده مرجعیت و اصالت تجربه ایمان را تعیین خواهد کرد.

علاوه بر این، سنجش‌پذیر شدن رفتار دینی از طریق الگوریتم‌ها و تحلیل داده‌ها امکان نوعی «مدیریت معنوی» را به نهادهای فناورانه می‌دهد که با منطق معنویت سنتی، که بر فضیلت نیت و کیفیت حضور قلب تأکید دارد، فاصله می‌گیرد.<sup>۳</sup> راهکارهایی مانند توصیه‌های عبادی مبتنی بر تحلیل الگوهای رفتاری کاربر، گرچه می‌توانند در سطح فردی انگیزه‌بخش باشند، اما حاوی درکی مکانیکی از دین‌اند که در سنت اسلامی و مسیحی همواره نقد شده است.<sup>۴</sup>

تحول در نقش نهادهای دینی زیر سایه هوش مصنوعی، همچنین به تغییر ماهیت مناسک و آیین‌های جمعی می‌انجامد. قابلیت حضور مجازی در مراسم، بهره‌گیری از ربات‌های پاسخگوی احکام و حتی موعظه‌های تولیدشده توسط هوش مصنوعی،<sup>۵</sup> سبب شده است که مکان قدسی فیزیکی، جای خود را به پلتفرم‌های دیجیتال بسپارد. این جابه‌جایی، اگرچه

1. Geraci, "Apocalyptic AI: Religion and the Promise of Artificial Intelligence," 159.

2. Gray, *Ayin, Apokaliptik Din ve Ütopyanın Ölümü*, 26.

۳. عباس محفوظی، «انسان و اندیشه درباره قیامت»، نشریه پاسدار اسلام، شماره ۲۰۵ (۱۳۷۷): ۴.

۴. جوادی آملی، منکرین معاد، ۱۴.

5. Milliyet Gazetesi, "Yapay Zekâya Vatandaşlık," Available at: April, 21, 2017.

<http://www.milliyet.com.tr/yapay-zekayavatandaslik-dunya-2545120/>

می‌تواند دایره دسترسی دین را گسترش دهد، ولی خطر کاهش پیوندهای عاطفی و همبستگی اجتماعی مبتنی بر حضور مشترک را در بر دارد.<sup>۱</sup>

در نهایت، باید اذعان کرد که این تغییرات به معنای حذف قطعی نقش نهادهای دینی نیست، بلکه حاکی از ضرورت بازسازی مأموریت آنها در ساحت‌های نوین است. چنانکه روسو در نقد پیوند ابزار و غایت در تمدن بیان کرده بود، خطر اساسی در این است که ابزارها اهداف را تعیین کنند.<sup>۲</sup> بنابراین، اگر نهادهای دینی نتوانند در تعامل انتقادی و خلاق با فناوری قرار گیرند و صرفاً پذیرنده منفعل باشند، خطر انحلال تدریجی اقتدار معنوی آنها در طول زمان، دور از انتظار نخواهد بود.

#### ۵. فرصت‌ها و چالش‌های هوش مصنوعی در آینده اجتماعی و دینی

چشم‌انداز آینده در نسبت میان هوش مصنوعی، جامعه و دین، چشم‌اندازی دوگانه و مملو از فرصت‌ها و تهدیدات است. از یک سو، این فناوری، ظرفیت آن را دارد که با بهینه‌سازی خدمات، ترویج ارتباطات اخلاقی و تسهیل دسترسی به معارف به ابزاری برای تقویت انسجام اجتماعی و تعمیق ارزش‌های دینی بدل شود؛ اما از سوی دیگر، خطر ماشینی‌شدن آگاهی، تضعیف مسئولیت‌پذیری اخلاقی و وابستگی به زیرساخت‌های فناورانه، تهدیدی جدی برای بنیان‌های معنوی جامعه محسوب می‌شود. این فصل به ارزیابی این دو وجه و تبیین ضرورت مدیریت اخلاقی فناوری می‌پردازد.

#### ۱-۵. فرصت‌های تقویت انسجام اجتماعی و دینی

با وجود نگرانی‌های قابل توجه درباره اثرات اجتماعی و اخلاقی هوش مصنوعی، این فناوری ظرفیت‌های مهمی برای تقویت انسجام اجتماعی و بازتولید ارزش‌های دینی دارد. بهره‌گیری از الگوریتم‌های هوشمند در حوزه‌های اجتماعی و معنوی می‌تواند نه تنها منجر به بهبود کارایی خدمات عمومی شود، بلکه با نهادینه‌سازی اصولی همچون عدالت، مسئولیت‌پذیری و همبستگی به تحکیم ساختارهای اجتماعی و دینی کمک کند.<sup>۳</sup>

نخستین مزیت بارز هوش مصنوعی در این زمینه، توانایی آن در بهینه‌سازی ارائه خدمات اجتماعی است. سامانه‌های هوشمند از طریق تحلیل کلان‌داده‌ها و پیش‌بینی الگوهای نیاز،

1. Öztemel, "Industry ve Yapay Zeka," 79.

2. Rousseau J. J., *İlimler ve Sanatlar Hakkında Nutuk* (İstanbul: Meb Yayınları, 1989), 27.

۳. حق جو، «هوش مصنوعی کاربرد و قابلیت‌های آن در علوم دینی و حوزه‌های علمیه»، ۱۴۶.

بررسی نقش هوش مصنوعی در بازتعریف ساختارهای اجتماعی و معنویت دینی / اکبری ۱۱۵

می‌توانند منابع را به گونه‌ای تخصیص دهند که دسترسی برابر به خدمات درمانی، آموزشی و رفاهی برای اقشار مختلف فراهم شود.<sup>۱</sup> این رویکرد با آموزه‌های دینی درباره عدالت و رفع تبعیض همخوانی دارد و می‌تواند نهادهای مدنی و دینی را در ایفای وظایف اجتماعی یاری کند. برای نمونه، الگوریتم‌های یادگیری ماشین قادرند مناطق محروم را براساس شاخص‌های فقر و آسیب‌پذیری شناسایی کرده و منابع خیریه را با دقت بیشتری به آنها اختصاص دهند؛ عملکردی که تحقق عدالت توزیعی را تسهیل می‌کند.<sup>۲</sup>

از منظر ارتباطی، هوش مصنوعی می‌تواند در ایجاد الگوهای مثبت تعاملات اجتماعی نقش‌آفرین باشد. همانطور که مطالعات نشان داده‌اند، سامانه‌های مکالمه‌محور می‌توانند با فیلتر کردن پیام‌های حاوی کلمات غیراخلاقی یا پرخاشگرانه، فضای گفت‌وگو را به ادب و احترام هدایت کنند.<sup>۳</sup> این قابلیت به‌ویژه در بسترهایی که جوامع دینی فعال هستند مانند تالارهای گفت‌وگو، کلاس‌های آنلاین قرآن و فقه یا رویدادهای زنده مذهبی، می‌تواند از بروز تنش‌های لفظی و جدل‌های فرساینده جلوگیری کند و گفت‌وگویی سالم و اخلاق‌محور شکل دهد.<sup>۴</sup>

از سوی دیگر، هوش مصنوعی این امکان را دارد که پل ارتباطی میان نسل‌ها و فرهنگ‌های مختلف ایجاد کند. با استفاده از ترجمه ماشینی پیشرفته و تطبیق محتوای آموزشی با زمینه فرهنگی هر گروه، محتوای دینی می‌تواند برای مخاطبان متنوعی قابل فهم و جذاب شود.<sup>۵</sup> این امر می‌تواند مانع شکاف نسلی در حوزه دینداری شود و به حفظ انسجام درون‌دینی کمک کند.

در حوزه آموزه‌های اخلاقی، نسل جدیدی از برنامه‌های هوش مصنوعی با محوریت «هوش اخلاقی» در حال توسعه است که می‌توانند بر مبنای اصول دینی و ارزش‌های بین‌فرهنگی کالیبره شوند.<sup>۶</sup> این امر باعث می‌شود تا ابزارهای دیجیتال نه فقط مصرف‌کننده محتوا، بلکه آموزش‌دهنده و تقویت‌کننده ارزش‌های اخلاقی و همبستگی اجتماعی باشند. تسریع در واکنش به بحران‌ها نیز یکی دیگر از فرصت‌های مهم است. در حوادث طبیعی یا اجتماعی، سامانه‌های هوش مصنوعی قادرند به سرعت وضعیت را پیش کرده، نیازهای فوری

1. Öztemel, "Industry ve Yapay Zeka," 84.

۲. قوامی‌پور سرشکه و محمودی، «واکاوی چالش‌های پیاده‌سازی هوش اخلاقی در هوش مصنوعی»، ۴۳.

3. Çolak, "Yapay Zeka Dost mu Düşman mı?," 125.

۴. رجبی و نصراللهی، «پیامدشناسی فرهنگی توسعه هوش مصنوعی در رسانه‌های اجتماعی در ایران»، ۹۹.

5. Giddens, *Sosyoloji*, 692.

۶. قوامی‌پور سرشکه و محمودی، «واکاوی چالش‌های پیاده‌سازی هوش اخلاقی در هوش مصنوعی»، ۲۷.

را شناسایی کنند و از طریق شبکه‌های دینی و مردمی، کمک‌رسانی را هماهنگ سازند.<sup>۱</sup> این هم‌افزایی میان فناوری و نهادهای دینی، می‌تواند سرمایه اجتماعی را ارتقا دهد و اعتماد عمومی را به این نهادها بازگرداند. همچنین، هوش مصنوعی از طریق مدیریت کارآمد اطلاعات دینی می‌تواند به وحدت معرفتی کمک کند. ایجاد بانک‌های جامع و استاندارد متون مقدس، فتاوا و تفاسیر، ضمن فراهم کردن مرجعی معتبر برای پیروان سنت‌های مختلف از پراکندگی و تناقض‌های بی‌پایه جلوگیری می‌کند.<sup>۲</sup> این امر با تکیه بر قابلیت جست‌وجو و دسته‌بندی پیشرفته، می‌تواند مراجع دینی را در پاسخگویی شفاف و سریع به پرسش‌های روز، توانمندتر و در نتیجه اعتماد جامعه مؤمنان را تقویت کند.

در سطح فرهنگی، توسعه الگوهای اشتراک‌گذاری منابع و خدمات که در برخی پیش‌بینی‌ها در حوزه حمل‌ونقل و مصرف مشترک ابزارها آمده است می‌تواند نگرشی جمع‌گرایانه‌تر را در حیات اجتماعی نهادینه کند.<sup>۳</sup> اشتراک‌گذاری خودروها، امکانات و حتی مهارت‌ها با آموزه‌های دینی مبنی بر تعاون و ایثار همسو بوده است و می‌تواند با پشتیبانی فناوری به عنصر پایدار فرهنگ اجتماعی بدل شود.

یکی از ظرفیت‌های کمتر مورد توجه، استفاده از شبیه‌سازهای تجربه معنوی برای آموزش و تمرین آیین‌هاست. این فناوری‌ها از واقعیت مجازی تا ترکیب آن با هوش مصنوعی، می‌توانند امکان حضور ذهنی و عاطفی افراد را در اماکن مقدس حتی از راه دور فراهم کنند. چنین تجربه‌هایی، ضمن ایجاد حس تعلق به اجتماع ایمانی، می‌تواند برای کسانی که به دلیل محدودیت‌های جسمی یا جغرافیایی قادر به حضور فیزیکی نیستند، جایگزین ارزشمندی باشد.<sup>۴</sup>

در نهایت، پیوند فناوری با دین می‌تواند به شکل‌گیری شبکه‌های همیاری بین‌المللی بیانجامد. از آنجا که ارزش‌هایی نظیر عدالت، کمک به نیازمندان و حفظ کرامت انسانی، جنبه‌ای جهانی دارند، پلتفرم‌های هوش مصنوعی می‌توانند گروه‌های دینی از فرهنگ‌ها و مذاهب مختلف را برای پروژه‌های مشترک گرد هم آورند. این همکاری‌ها نه تنها انسجام داخلی هر جامعه دینی، بلکه همبستگی بین‌ادیانی را نیز تقویت خواهد کرد.<sup>۵</sup>

1. Harari, *Yüzyıl için 21 Ders*, 35.

۲. حق‌جو، «هوش مصنوعی کاربرد و قابلیت‌های آن در علوم دینی و حوزه‌های علمیه»، ۱۴۸.

3. Keleş, "Apokaliptik Hadis Edebiyatı ve Problemleri," 84.

4. Çiğdem Kağıtçıbaşı, *Yeni İnsan ve İnsanlar* (İstanbul: Evrim Yayınları, 1999), 112.

5. Eric Fromm, *Erdem ve Mutluluk* (İstanbul: İş Bankası Kültür Yayınları, 1994), 205.

بررسی نقش هوش مصنوعی در بازتعریف ساختارهای اجتماعی و معنویت دینی / اکبری ۱۱۷

با این همه بهره‌برداری از فرصت‌های مذکور، مشروط به وجود چهارچوب‌های اخلاقی و نظارتی شفاف است که مانع از استفاده سوء یا تحریف ارزش‌های دینی تحت لوای فناوری شود. در غیر این صورت، همان ابزارهایی که می‌توانند پیوندها را مستحکم کنند، قادر خواهند بود به انشقاق و ازهم‌گسیختگی اجتماعی نیز دامن بزنند. از این منظر، نقش نهادهای علمی و دینی در هدایت موج نوآوری‌های هوش مصنوعی براساس اصول انسانی، حیاتی خواهد بود.

## ۵-۲. تهدیدات و نیاز به مدیریت اخلاقی

رشد شتابان هوش مصنوعی در عرصه‌های اجتماعی و دینی، چشم‌اندازی دوگانه را پیش روی جوامع قرار داده است؛ از یک سو ظرفیت ارتقا و بهبود زندگی انسانی و از سوی دیگر، تهدیدهایی که می‌تواند بنیان معنوی و اخلاقی حیات جمعی را تضعیف کند به شرح ذیل است:

۱- تکیه مستقیم بر الگوریتم‌های کمی و مدل‌های داده‌محور، خطر تقلیل تجربه دینی به مجموعه‌ای از داده‌های پردازش‌شده را در پی دارد؛ تجربه‌ای که فاقد بستر تعاملی، زمینه فرهنگی و بُعد روحانی است و ممکن است شخصیت اخلاقی انسان را به کنشگری منفعل در برابر سیستم‌های از پیش برنامه‌ریزی شده بدل کند.<sup>۱</sup> آگاهی دینی که در بستر ارتباطات انسانی و تعاملات چهره‌به‌چهره شکل می‌گیرد با ورود فناوری‌های پیشرفته در معرض خطر «ماشینی‌شدن» قرار دارد. فرایندهایی که زمانی بر پایه استدلال، گفت‌وگو و تجربه زیسته پیش می‌رفتند، اکنون می‌توانند به نتایجی فروکاسته شوند که صرفاً خروجی محاسبات آماری‌اند، بی‌آنکه به مفاهیمی فراتر از کمیّت راه یابند.<sup>۲</sup> این وضعیت در بلندمدت توان درونی‌شدن باورها و ارزش‌های دینی را تضعیف می‌کند و دین را به مجموعه‌ای از دستورالعمل‌های ثابت و غیرپویا فرو می‌کاهد.

۲- یکی دیگر از تبعات این دگرگونی، کمرنگ‌شدن مسئولیت‌پذیری اخلاقی است. زمانی که تصمیم‌های فردی و اجتماعی بر مبنای خروجی یک «سیستم» یا «ربات مشاور» اتخاذ می‌شود، امکان فرار از پیامدهای اخلاقی افزایش پیدا می‌کند. رویه‌ای که در ساختار بوروکراتیک گذشته نیز دیده می‌شد، اکنون می‌تواند با ابعاد گسترده‌تر در محیط‌های دیجیتال تکرار شود.<sup>۳</sup> این روند نه تنها در حوزه‌های اجتماعی، بلکه در اعمال و انتخاب‌های دینی نیز

۱. حق‌جو، «هوش مصنوعی کاربرد و قابلیت‌های آن در علوم دینی و حوزه‌های علمیه»، ۱۴۲.

۲. یوسفی، «پاسخ به اهم شبهات پیرامون دین و هوش مصنوعی»، ۹۴.

۳. رجبی و نصراللهی، «پيامدشناسی فرهنگی توسعه هوش مصنوعی در رسانه‌های اجتماعی در ایران»، ۱۱۰.

بروز خواهد کرد و مخاطره جدی برای مفهوم اختیار و اراده آزاد خواهد بود؛ مفهومی که در سنت اسلامی، شرط اساسی مسئولیت و پاداش اخروی محسوب می‌شود.<sup>۱</sup> از منظر امنیت معنوی، اتکای بیش از حد به زیرساخت‌های فناورانه، خطر وابستگی به مراکز متمرکز داده و الگوریتم را افزایش می‌دهد. این وابستگی ممکن است شبکه توزیع و تفسیر متون دینی را محدود به چهارچوب‌های ساخته همان مراکز کند و سبب شود آموزه‌ها و ارزش‌ها براساس ملاحظات سیاسی یا اقتصادی بازتعریف شوند.<sup>۲</sup> چنین روندی، استقلال معرفتی نهادهای دینی را تهدید و امکان تحریف یا تقلیل پیام را تقویت می‌کند.

۳- ابعاد اجتماعی این مسئله نیز کم‌اهمیت نیست. گسست ارتباطات حضوری و جایگزینی آن با تعاملات مجازی، کاهش مشارکت جمعی در آیین‌ها و حذف تدریجی تجربه مشترک در اماکن مقدس، سرمایه اجتماعی و حس تعلق جمعی را تضعیف می‌کند.<sup>۳</sup> پژوهش‌ها نشان داده‌اند که در محیط‌هایی که هوش مصنوعی مدیریت ارتباطات را بر عهده دارد، تنوع زبانی و فرهنگی به سمت یکدستی اداری سوق پیدا می‌کند؛ روندی که به مرور، اصالت تعاملات و غنای فرهنگی را کاهش می‌دهد.<sup>۴</sup>

این نگاه که گاه در لایه‌های رسانه‌ای نیز بازتولید می‌شود با مبانی دینی که انسان را موجودی روحانی و برخوردار از شأن الهی می‌دانند در تعارض قرار می‌گیرد.<sup>۵</sup> در فرهنگ اسلامی، آمادگی معنوی برای حیات اخروی مستلزم زیستن با نیت الهی و تعالی روح است و صرفاً تطبیق‌پذیری با نظم‌های داده‌مدار نیست.

در مقابل چنین تهدیدهایی، ضرورت شکل‌گیری چهارچوب‌های اخلاقی بومی و بین‌المللی آشکار است. این چهارچوب‌ها باید نه تنها اصول عام اخلاق فناوری را پوشش دهند، بلکه الزامات ویژه حوزه دینی همچون عدالت، حفظ کرامت مؤمنان و پاسداشت تنوع سنت‌های عبادی را نیز لحاظ کنند.<sup>۶</sup> از این منظر، طراحی و پیاده‌سازی الگوریتم‌ها نیازمند هم‌افزایی میان متخصصان علوم رایانه، اندیشمندان علوم دینی و صاحب‌نظران اخلاق

۱. جوادی آملی، منکرین معاد، ۱۴.

۲. رضا اسلامی و نرگس انصاری، «به‌کارگیری ربات‌های نظامی در میدان جنگ در پرتو اصول حقوقی بشردوستانه»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۵۶ (۱۳۹۶): ۱۵۷.

۳. کلثوم آقایی، محمد مهدی کریمی‌نیا و مجتبی انصاری مقدم، «نقد نظریه تربیتی ژان ژاک روسو از منظر تعلیم و تربیت انسانی»، مجله پژوهش‌های معاصر در علوم و تحقیقات، شماره ۲۹ (۱۴۰۰): ۱۱۲.

4. Bedri Gencer, "Medeniyet Savaşında Teknoloji," *Birey ve Toplum* 2, no. 4 (2012): 125.

۵. محفوظی، «انسان و اندیشه درباره قیامت»، ۴.

۶. قوامی‌پور سرشکه و محمودی، «واکاوی چالش‌های پیاده‌سازی هوش اخلاقی در هوش مصنوعی»، ۳۵.

بررسی نقش هوش مصنوعی در بازتعریف ساختارهای اجتماعی و معنویت دینی / اکبری ۱۱۹

اجتماعی است تا خروجی‌ها بتوانند هم کارایی فناورانه داشته باشند و هم رسالت انسانی خود را حفظ کنند.<sup>۱</sup>

این مدیریت اخلاقی باید بر چند محور کلیدی استوار باشد: تنظیم شفافیت و قابلیت پاسخگویی در فرایندهای تصمیم‌گیری؛ پیشگیری از جانبداری‌های پنهان در داده‌ها؛ تضمین احترام به حوزه‌های خصوصی و حرمت معنوی انسان و تعهد به بازتولید محتوای دینی در پیوند با زمینه‌های فرهنگی و زبانی متنوع.<sup>۲</sup> غفلت از این محورها زمینه را برای آن فراهم می‌کند که هوش مصنوعی به ابزاری در خدمت یک‌دست‌سازی فرهنگی و کاهش انعطاف معنوی بدل شود.

در نهایت، مواجهه جامعه دینی با هوش مصنوعی به انتخابی بنیادین وابسته است: یا پذیرش بی‌چون‌وچرای سازوکارهایی که با منطق اقتصاد داده عمل می‌کنند و در عین حال ارزش‌های غیر قابل محاسبه بشری را نادیده می‌گیرند یا مدیریت و هدایت این فناوری در چهارچوب اصولی که از سنت‌های دینی و تجربه‌های انسانی برآمده‌اند. گزینه دوم، هرچند مستلزم سرمایه‌گذاری فکری، نهادی و فناورانه گسترده‌تری است، اما راهی است که می‌تواند از فرسایش تعاملات دینی و ماشینی شدن آگاهی جلوگیری کند و پیوند میان انسان، ایمان و فناوری را در تعادلی پایدار حفظ نماید.

## ۶. نتیجه‌گیری

هوش مصنوعی، به‌منزله یکی از برجسته‌ترین دستاوردهای فناوری مدرن، ساختارهای اجتماعی و معنویت دینی را در مسیری بی‌سابقه بازتعریف کرده است. این فناوری با نفوذ در الگوهای ارتباطی، نقش‌های شغلی و نهادهای دینی، پویایی‌هایی نوین به حوزه‌های اجتماعی و معنوی وارد کرده است که هم فرصت‌هایی بی‌نظیر برای پیشرفت و هم چالش‌هایی بنیادین برای حفظ ارزش‌های انسانی و دینی به همراه دارد. تحلیل این تحولات نشان می‌دهد هوش مصنوعی، فراتر از ابزاری فنی به عاملی برای بازاندیشی در هویت اجتماعی و معنای زندگی معنوی تبدیل شده است. در حوزه اجتماعی، هوش مصنوعی با جایگزینی تعاملات انسانی با سیستم‌های خودکار، مانند ربات‌های مشاور و ایجاد نقش‌های شغلی جدید مبتنی بر فناوری، الگوهای ارتباطی و سلسله‌مراتب طبقاتی را دگرگون کرده است. این تغییرات، اگرچه کارایی و

1. Emre Sermtulu, "Derinliklerdeki Zeka ve Etik" (*Bilim Teknik Dergisi* 602, 2018), 197.

۲. آفایی، کریمی‌نیا و انصاری مقدم، «نقد نظریه تربیتی ژان ژاک روسو از منظر تعلیم و تربیت انسانی»، ۸۵.

دسترسی‌پذیری را بهبود بخشیده، اما خطر انزوای اجتماعی و تعمیق نابرابری‌های طبقاتی را به دلیل دسترسی نابرابر به فناوری، افزایش داده است. کاهش تعاملات رو در رو و وابستگی به ارتباطات ماشینی، پیوندهای اجتماعی را شکننده‌تر کرده و شکاف میان اقشار برخوردار و محروم را عمیق‌تر ساخته است. در حوزه معنویت دینی، هوش مصنوعی مفاهیمی نظیر اراده آزاد، مسئولیت اخلاقی و اصالت تجربه دینی را به چالش کشیده است. ارائه خدمات دینی خودکار از اوقات شرعی تا تفسیر متون، تجربه معنوی را به سمت مکانیکی شدن سوق داده و مرجعیت سنتی نهادهای دینی را ضعیف کرده است. این روند با کاهش عمق عاطفی و زمینه‌ای در تعاملات دینی، خطر تقلیل معنویت به فرایندهای داده‌محور را به همراه دارد که با ماهیت روحانی و انسانی دین در تضاد است. با این حال، هوش مصنوعی ظرفیت‌هایی برای تقویت انسجام اجتماعی و دینی ارائه داده است. الگوریتم‌های هوشمند با بهبود تخصیص منابع و ایجاد ارتباطات مثبت، می‌توانند ارزش‌هایی نظیر عدالت و همبستگی را ترویج دهند. این فناوری در صورت هدایت مناسب، می‌تواند به گسترش دسترسی به آموزش‌های دینی و خدمات اجتماعی کمک کند و پیوندهای میان‌فرهنگی را تقویت نماید؛ اما بدون مدیریت مسئولانه، خطر ماشینی شدن آگاهی و کاهش تعاملات انسانی، انسجام اجتماعی و معنوی را تهدید می‌کند. در نهایت، تأثیر هوش مصنوعی بر ساختارهای اجتماعی و معنویت دینی به چگونگی مواجهه جوامع با این فناوری بستگی دارد. این فناوری، به‌سان شمشیری دو لبه، می‌تواند هم ابزاری برای پیشرفت و هم عاملی برای گسست باشد. آینده این تحولات به توانایی جوامع در حفظ ارزش‌های انسانی و دینی در برابر الگوریتم‌های داده‌محور وابسته است تا تعادلی پایدار میان فناوری و معنویت برقرار شود.

بررسی نقش هوش مصنوعی در بازتعریف ساختارهای اجتماعی و معنویت دینی / اکبری ۱۲۱

## سیاهه منابع

### قرآن کریم

الف- منابع فارسی:

اسلامی، رضا، و نرگس انصاری. «به‌کارگیری ربات‌های نظامی در میدان جنگ در پرتو اصول حقوقی بشردوستانه»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۵۶ (۱۳۹۶): ۱۴۱-۱۶۴. <https://dx.doi.org/10.22066/cilamag.2017.25168>.

آقایی، کلثوم، محمد مهدی کریمی‌نیا، و مجتبی انصاری مقدم. «نقد نظریه تربیتی ژان ژاک روسو از منظر تعلیم و تربیت انسانی»، مجله پژوهش‌های معاصر در علوم و تحقیقات ۳، شماره ۲۹، (۱۴۰۰): ۸۰-۹۱. دسترسی در <https://www.jocrisar.ir/showpaper/842178>.

جوادی آملی، عبداللّه. «منکرین معاد»، نشریه پاسدار اسلام، شماره ۱۸ (۱۳۶۲): ۱۹-۲۱. <http://pasdareeslam.com/41675>.

حق جو، عبدالحجت. «هوش مصنوعی کاربرد و قابلیت‌های آن در علوم دینی و حوزه‌های علمیه»، نشریه حوزه، شماره ۳۸ (۱۴۰۰): ۱۴۰-۱۵۳. <https://dx.doi.org/10.22081/ih.2021.74075>.

رجبی، محسن، و محمدصادق نصراللهی. «پیامدشناسی فرهنگی توسعه هوش مصنوعی در رسانه‌های اجتماعی در ایران»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران ۱۶، شماره ۲ (۱۴۰۲): ۹۵-۱۲۵. <https://dx.doi.org/10.22035/jicr.2023.3178.3481>.

رشیدی، نرگس. هوش مصنوعی در اسلام. تهران: حقوق بشر اسلامی، ۱۴۰۲.  
صادق‌زاده، فرحناز، لاله فیروزبخت لنبانی، محمدرضا سلحشور، نغمه کساری گیلک، و صفیه ربیعی. چهارچوب‌های اخلاق اسلامی برای هوش مصنوعی. تهران: انتشارات ارسطو، ۱۴۰۲.  
قوامی‌پور سرشکه، محدثه، و امیررضا محمودی. «واکاوی چالش‌های پیاده‌سازی هوش اخلاقی در هوش مصنوعی»، فصلنامه اخلاق‌پژوهی، شماره ۶ (۱۴۰۳): ۲۳-۴۸. <https://dx.doi.org/10.22034/ethics.2024.51227.1650>.

محموظی، عباس. «انسان و اندیشه درباره قیامت»، نشریه پاسدار اسلام، شماره ۲۰۵ (۱۳۷۷). [http://pasdareeslam.ir/article\\_58938.html](http://pasdareeslam.ir/article_58938.html).

نبوی، سید مجید، کیانوش نریمان، و زهرا آقابرابی. نقش هوش مصنوعی در تحلیل متون دینی. تهران: دانشکده غیردولتی غیرانتفاعی رفاه، ۱۴۰۴.

یوسفی، یونس. «پاسخ به اهم شبهات پیرامون دین و هوش مصنوعی»، آفاق علوم انسانی (۱۴۰۲): ۸۱-۹۲. <https://www.magiran.com/p2669740>.

ب: منابع ترکی:

- Bauman, Zygmunt. *Sosyolojik Düşünmek*. Translated by Abdullah Yılmaz. İstanbul: Ayrıntı Yayınları, 2017.
- Çolak, Ebru. "Yapay Zeka Dost mu Düşman mı?." *Derin Ekonomi* 28 (2017): 120-127.
- Gencer, Bedri. "Medeniyet Savaşında Teknoloji." *Birey ve Toplum* 2, no. 4 (2012): 7-26.
- Giddens, Anthony. *Sosyoloji*. Edited by Cemal Güzel. İstanbul: Kırmızı Yayınları, 2008.
- Gray, John. *Kara Ayın: Apokaliptik Din ve Ütopyanın Ölümü*. Translated by Bahar Tırnakçı. İstanbul: Yapı Kredi Yayınları, 2013.
- Harari, Yuval Noah. *Yüzyıl için 21 Ders*. Translated by Selin Sıral. İstanbul: Kolektif Kitap, 2018.
- Kağıtçıbaşı, Çiğdem. *Yeni İnsan ve İnsanlar*. İstanbul: Evrim Yayınları, 1999.
- Keleş, Ahmet. "Apokaliptik Hadis Edebiyatı ve Problemleri." *İstem* 4, no. 7 (2006): 37-54.
- Gazetesi, Milliyet. "Yapay Zekâya Vatandaşlık." Available at: April 21, 2017. <http://www.milliyet.com.tr/yapay-zekayavatandaslik-dunya-2545120/>
- Öztemel, Ercan. "Industry ve Yapay Zeka." *Bilim Teknik* 607 (2018): 78-85.
- Sermutlu, Emre. "Derinliklerdeki Zeka ve Etik." *Bilim Teknik Dergisi* 602 (2018): 60-64.

ج: منابع لاتین

- Fromm, Eric. *Erdem ve Mutluluk*. Translated by Ayda Yörükkan. İstanbul: İş Bankası Kültür Yayınları, 1994.
- Geraci, Robert M. "Apocalyptic AI: Religion and the Promise of Artificial Intelligence." *Journal of the American Academy of Religion* 76, no. 1 (2008): 138-166.
- Rousseau, Jean-Jacques. *İlimler ve Sanatlar Hakkında Nutuk*. Translated by Selahattin Eyüboğlu. İstanbul: MEB Yayınları, 1989.